

## ظهور و بروز معتزله در جهان اسلام و انعکاس آن در سفرنامه حکیم ناصر خسرو

### چکیده

پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) افتراق‌هایی در میان امت اسلامی روی داد که معلول اختلاف برداشت‌های متفاوت از کتاب، سنت و تحولات سیاسی و ارتباط فرهنگی دیگر ملل بود. در چنین زمانه‌ای بود که فرقه‌های گوناگون ظهور کردند. یکی از این فرقه‌ها خوارج بود که مرتکبین گناهان کبیره را کافر می‌دانستند و گروه دیگر مرجئه بودند که مخالف این اندیشه خوارج بودند. همین اختلاف بین خوارج و مرجئه سبب پیدایش معتزله شد. معتزله یکی از فرقه‌های عقلی-استدلالی است که بنیان‌گذار آن واصل بن عطاءست. این گروه در پایان دوره بنی‌امیه از خلاء قدرت استفاده کردند و به تبلیغ مسلک و مرام خود پرداختند. پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای به رشته تحریر درآمده است. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که در دوره اول بنی‌عباس به فعالیت فکری خود ادامه دادند و از نهضت ترجمه استفاده کرده و با افکار فلسفی آشنا شدند و خود را با عقل و فلسفه مجهز کردند. در عهد مأمون، معتصم و واثق به قدرت سیاسی نزدیک شدند و پیشرفت فراوان کردند. این فرقه در عهد متوکل با مشکلاتی مواجه شد و رو به ضعف نهاد. این اختلافات در بسیاری از منابع دوره اسلامی اشاره شده است. در سفرنامه ناصر خسرو نیز تا حدی به این شرایط مذهبی پرداخته شده است. هدف از این پژوهش بررسی زمینه‌های پیدایش، رشد، گسترش و اضمحلال فرقه معتزله است.

### اهداف پژوهش:

۱. بررسی افتراق‌های پس از رحلت پیامبر اسلام در امت اسلامی.
۲. بررسی فرقه‌های گوناگون بوجود آمده پس از رحلت پیامبر و بازتاب آن در سفرنامه ناصر خسرو.

### سؤالات پژوهش:

۱. افتراق‌های پس از رحلت پیامبر اسلام در امت اسلامی معلول چه بود؟
۲. وضعیت فرق پس از رحلت پیامبر چگونه بود و در سفرنامه ناصر خسرو چگونه بازتاب یافته است؟

**کلیدواژه‌ها:** حسن بصری، معتزله، واصل بن عطاء، سفرنامه ناصر خسرو، ملل و نحل.

## مقدمه

هر دین و آئین در بدو ظهور و پیدایش خود افکار سهل و ساده‌ای را به پیروان خود ارائه می‌دهد. اما به مرور زمان برداشت‌های متفاوت، اختلاف افکار سبب رشد فرقه‌هایی در این دین و آئین می‌شود. دین اسلام نیز از این قاعده مستثنی نیست و در قرون اول و دوم، فرقه‌ها و نحله‌های فکری گوناگون پا به عرصه وجود گذاشتند. عده‌ای مرتکبین گناهان کبیره را از حیطة مسلمانی خارج می‌دانستند و عده‌ای دیگر مرتکبین را کافر نمی‌دانستند. گروهی به جبر معتقد بودند و نقش انسان را در زندگی خود انکار می‌کردند و دسته‌ای دیگر مسئله اختیار را پذیرفتند. در چنین هنگامه‌ای بازار فرقه‌گرایی گرم شده بود و هر یک سعی می‌کردند رقبای خود را از میدان به در کنند. در چنین بحبوحه‌ای در اواخر قرن اول و ابتدای قرن دوم هجری در جهان اسلام فرقه‌ای تحت‌عنوان معتزله شکل گرفت.

معتزله اولین مکتب کلامی اسلامی خردگرا و یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین جریان‌های تفکر اسلامی به‌شمار می‌آید. آن‌ها بر تقدم و اولویت عقل و اختیار در برابر جبر، تأکید کرده، یک نظام معرفت‌شناسی، وجودشناسی و نفس‌شناسی را ارائه کردند که مبنایی برای تبیین طبیعت جهان، خدا، انسان و پدیده دینی همچون وحی و تشریح فراهم می‌آورد. معتزلیان در فلسفه اخلاق خود بر این عقیده بودند که نیک و بد را صرفاً از طریق خرد بشری می‌توان شناخت. آنان با شناخت‌شناسی خاص خود تا حد زیادی موجب گسترش قواعد بسیار پیچیده<sup>۱</sup> روش‌شناسی فقهی شدند. معتزله بر عقل به‌عنوان یگانه ابزار شناخت حقیقت تأکید می‌کردند. عقلی دانستن حسن و قبح از جانب ایشان، دلیل روشنی بر این مطلب است. آنان بیشتر بر ادله عقلی تکیه می‌کردند و عقل را بهترین شاهد مباحث اعتقادی می‌دانستند. این گروه از تقلید کورکورانه به دور بودند و بدون بحث و تحقیق و مراجعه به عقل هر عقیده‌ای را نمی‌پذیرفتند. همین اعتقاد به عقل بود که معتزله را وادار می‌کرد تا از کلیه علوم عقلی دوره خود استفاده کنند و این فرقه با قدرت عقل به مقابله با مخالفین خود می‌رفتند. دلیل حمایت مأمون و خلفای دیگر عباسی از ایشان نیز همین بود، زیرا آن‌ها در برابر مخالفین، حربه‌ای پر قدرت و قوی محسوب می‌شدند.

خاستگاه مکتب معتزله بصره بود و بنیان‌گذار این مکتب، واصل بن عطا و عمرو بن عبید بودند که در بصره زندگی می‌کردند. پس از آن‌ها، متفکرانی چون ابراهیم نظام و جاحظ که هم اهل بصره بودند در تقویت مبانی اعتزال کوشیدند. ولی بعدها بعضی از بزرگان و سران آن‌ها در بغداد رحل اقامت افکندند و مدرسه یا مکتب بغداد را به‌وجود آوردند. این پژوهش سعی دارد فرقه معتزله را در قرون اولیه اسلامی و انعکاس آن در سفرنامه ناصر خسرو را مورد بحث و بررسی قرار دهد و ضمن پرداختن به سؤال اصلی: ظهور و بروز اندیشه خردگرایی معتزله در جهان اسلام چگونه بود؟ به سؤالات فرعی چون معتزله چگونه به‌وجود آمد؟ چه ویژگی‌هایی سبب استمرار این فرقه شد؟ مراحل رشد و انحطاط آن چگونه بود؟ عقاید معتزله چه بازتابی در سفرنامه ناصر خسرو یافته است؟ و ضمن بیان این سؤالات به فرضیه‌های ذیل جواب داده می‌شود. فرقه معتزله، فرقه‌ای خردگرا بودند که برای پاسخ به نیازها و سؤالات زمان خود به‌وجود آمد. تمسک به عقل و عقل‌گرایی سبب استمرار معتزله گردید. اوضاع سیاسی و فرهنگی جامعه باعث شده بود که معتزله در مراحل حیات خود فراز و فرودهایی داشته باشد. نکته دیگری که سبب تألیف این مقاله شده است زمینه‌های پیدایش

این فرقه است؛ زیرا هیچ فکر و اندیشه‌ای خود به خود و ابتدا به ساکن به وجود نمی‌آید و عوامل داخلی و خارجی در پیدایش رشد و گسترش آن نقش داشته‌اند. معتزله نیز از این امر استثنا نیست. در صورتی که در گذشته بیشتر پیدایش آن را کناره‌گیری واصل‌بن‌عطا از درس حسن بصری می‌شناختند و وجود اندیشه‌های خارجی را در تکوین آن بررسی نمی‌کردند. بررسی پیشینه پژوهش حاکی از این است که تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشته تحریر درنیامده است لذا پژوهش حاضر که به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای انجام شده است، به بررسی این موضوع می‌پردازد.

### نتیجه‌گیری

اسناد تاریخی ظهور و بروز رسمی و تاریخی حرکت اعتزال را طرح اندیشه‌های جدید توسط واصل‌بن‌عطا و با دوست و همفکر دیرینه‌اش عمروبن‌عبید در باره مرتکبین کبیره و عدول آن‌ها از دیدگاه‌های افراطی و تفریطی خوارج و مرجئه و جدایی (اعتزال) آنان از حلقه درس حسن بصری دانسته‌اند. معتزله به سبب عقیده به اختیار و آزادی انسان، با خلفای اموی مخالفت داشتند، امویان آنان را دشمنان جدی خود ندانسته و به مقابله و سرکوب آنان نپرداختند. در دوره حکومت عباسیان، به خصوص در سده اول خلافت عباسی، معتزله به احترام و شوکت عظیمی دست یافتند؛ تاجایی که مأمون در دوره خلافت خود، مذهب اعتزال را مذهب رسمی قرارداد. وی خودش نیز به مذهب اعتزال گروید و بزرگان آن فرقه را در مناصب دولتی گماشت. مأمون در دوران خلافت خود به سرکوبی مخالفان اعتزال پرداخت و همگان را وادار به اقرار به خلق قرآن کرد. به این ترتیب، در زمان مأمون معتزله به اوج رسیدند. این وضع در روزگار معتصم و واثق نیز ادامه یافت. چنان‌که اشاره شد مأمون و پس از وی معتصم و واثق اندیشه‌های معتزلی را ترویج کردند و حتی به تفتیش عقاید مردم و اقرار گرفتن از آنان به خلق قرآن پرداختند. از این واقعه در منابع تاریخی به ماجرای «محنت» تعبیر شده و آن را دوره‌ای تلخ تلقی می‌کنند، زیرا به سبب آن که جمعی حاضر به اقرار به خلق قرآن نشدند شکنجه، زندانی، تبعید و یا کشته شدند.

واثق بیش از خلفای پیشین در تحمیل عقاید معتزله بر مخالفان سخت گرفت و همین امر یکی از علل سقوط معتزله دانسته شده است. با مرگ واثق (۲۳۲ق/ ۸۴۶م)، دوره طلایی معتزله به پایان رسید و با به قدرت رسیدن متوکل (۲۴۷/ ۲۳۲ق) دوران افول عباسیان آغاز شد. متوکل که به اهل حدیث گرایش داشت و درصدد حمایت از آنان بود، حکومت خود را با بازداشتن مردم از عقیده به خلق قرآن که عقیده رسمی خلفای پیشین بود، آغاز کرد. وی به فقیهان و محدثان هدایا و عطایای می‌داد تا در منبرهای خود احادیثی متضمن رد معتزلیان و مبتنی بر رؤیت خداوند نقل کنند. به این ترتیب، متوکل به محنت اهل سنت و حدیث پایان داد و به عکس بر معتزله سخت گرفت. در این دوره و در دوره خلفای بعدی، به تعبیری در دوره دوم خلفای عباسی، شرایط سیاسی بر ضد معتزلیان بود. به علاوه با مطرح شدن اندیشه‌های ابوالحسن اشعری (۲۶-۳ق) اوضاع فکری نیز به زیان معتزله رقم خورد. با این همه در سده‌های سوم و چهارم هجری، جریان اعتزال در دو شاخه معتزله بصره و معتزله بغداد رهبران و طرفدارانی داشت. بررسی‌ها حاکی

از این است که با توجه به نزدیکی دوره تاریخی زیست ناصر خسرو به دوره رواج معتزله در سفرنامه وی نیز به نهلۀ فکری اشاره شده است.

## منابع

- آقانوری، علی. (۱۳۸۴). «زمینه‌های سیاسی - اجتماعی اوج و فرود تفکر اعتزال»، طلوع، شماره ۱۵، ص ۸۰.
- ابن کثیر، اسماعیل بن محمد. (۱۴۱۲). البدایه و النهایه. جلد ۱۲، بیروت: مکتبه المعارف.
- ابن جوزی، ابو الفرج، عبدالرحمن بن علی. (۱۳۹۴ق). المنتظم فی تاریخ الملوک والمم: جلد ۱۵، لبنان، دارالکتب العلمیه بیروت.
- ابن مرتضی، احمد بن یحیی. (۱۴۰۹ق). طبقات المعتزله، بیروت: دارالمنتظره.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق. (۱۳۸۱). الفهرست، ترجمه: م، رضا تجدد، تهران: انتشارات اساطیر.
- اشعری، ابوالحسن. (۱۴۰۰ق). مقالات الاسلامیین، و یسادن: فرانتس شتاتیر.
- بلبع، عبدالحکیم. (۱۹۵۹). ادب المعتزله الی نهایه القرن الرابع الهجری، قاهره: البحث العلمی فی دارالعلم.
- بغدادی، عبدالقاهر. (۱۴۰۸ق). الفرق بین الفرق و بیان الفرقة الناجیه منهم، بیروت: دارالجلیل.
- حلبی، علی اصغر. (۱۳۹۲). تاریخ علم کلام در ایران و جهان اسلام، تهران: انتشارات اساطیر.
- جعفری، یعقوب. (۱۳۸۶). «باورها و فرقه‌های خوارج»، معارف عقلی، شماره ۷، ص ۲۴.
- زاینه اسمیتکه، عطایی نظریف حمید. (۱۳۹۰). «خردگرایی در دوران میانی جهان اسلام»، آینه پژوهش، بهمن و اسفند، شماره ۱۳۲.
- زیدان، جرجی. (۱۳۶۹). تاریخ تمدن اسلام، جلد سوم، ترجمه علی جواهر کلام، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- زهدی، جارالله. (۱۳۶۶ق/۱۹۴۷م). معتزله، قاهره.
- زنجانی، فضل الله (۱۴۱۷). تاریخ علم کلام فی اسلام، مشهد: آستانه الرضویه المقدسیه، مجمع البحوث الاسلامیه.
- دزفولیان، کاظم؛ اردگانی اطهر، تجلی. (۱۳۸۷) «ناصر خسرو و معتزله، پژوهشنامه علوم انسانی، ش ۵۷، ۱۲۸-۱۰۵.
- شهرستانی، محمد بن عبدالکریم. (۱۴۱۶ق). الملل و النحل، جلد ۱، قاهره: مکتبه الانجولوالمصریه.
- صابر، حسین. (۱۳۸۸). تاریخ فرق اسلامی، جلد ۱۲، چاپ پنجم، تهران: انتشارات سمت.
- عنایت، حمید. (۱۳۷۷). نهادها و اندیشه‌های سیاسی در ایران و اسلام، تهران: انتشارات روزنه.
- عطوان، حسین. (۱۳۷۱) فرقه‌های اسلامی در سرزمین شام در عصر اموی، ترجمه: حمیدرضا شیخی، مشهد: انتشارات آستان قدس.
- مسعودی، علی بن حسین. (۱۹۶۴). مروج الذهب و معادن الجواهر، جلد ۴، بیروت: دارالفکر.
- خیاط، ابوالحسین عبدالکریم. (۱۹۲۵). الانتصار و الرد علی ابن رندی، قاهره.
- ولوی، علیمحمد. (۱۳۶۷). تاریخ علم کلام و مذاهب اسلامی، جلد دوم، تهران: انتشارات بعثت.